

Research Article

A Study of Relation between the Studies of Qur'an and Hadith with the Persian Literature from the Viewpoint of Comparative Literature

Abdollah Radmard*, Ehsan Ghabool

Abstract

The aim of this essay is to study the relation of French and American theories of comparative literature in researches conducted on the effect of Qur'an and Hadith on the Persian Literature. For this purpose first we proposed a new classification for researches conducted on the effect of Qur'an and Hadith on the Persian Literature and types of such effects on this literature; then we provided instances of the effects of Qur'an and Hadith on the Persian Literature for the research areas of French and American theories of comparative literature and clarified the capacities of each area. Finally we studied the limitations of each theory for conducting researches in this field. Explaining the wide scope of research in the area of the effects of Qur'an and Hadith on Persian Literature from the viewpoint of French and American theories is the conclusion of this research. The French theory is based on text and the American theory generally includes literature and other sciences.

Keywords: Comparative Literature, Qur'an and Hadith, Persian Literature, French Theory, American Theory

How to Cite: Radmard A, Ghabool E., A Study of Relation between the Studies of Qur'an and Hadith with the Persian Literature from the Viewpoint of Comparative Literature, Journal of Comparative Literature Studies, 2024;18(70):147-165.

مقاله پژوهشی

نسبت‌سنجی پژوهش‌های قرآن و حدیث با ادبیات فارسی از منظر ادبیات تطبیقی

عبدالله رادمرد^۱، احسان قبول

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی نسبت دو نظریه‌ی فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی در پژوهش‌های حوزه‌ی تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی است. به این منظور نخست در هر یک از این دو نظریه، انواع روابط میان قرآن و حدیث با ادب فارسی را معرفی کرده‌ایم و سپس نسبت انواع حوزه‌های پژوهشی دو نظریه را با پژوهش‌های قرآنی و حدیثی با ادبیات فارسی تحلیل و بررسی کرده‌ایم و ظرفیت‌های هر حوزه را در این عرصه‌ی پژوهشی روشن ساخته‌ایم و نمونه‌هایی را در این میان مطرح کرده‌ایم؛ در پایان به محدودیت‌ها و چالش‌های هر نظریه برای پژوهش در این عرصه اشاره‌ای داشته‌ایم. نتیجه‌ی این پژوهش تبیین نسبت حوزه‌ی گسترده‌ی پژوهشی در عرصه‌ی تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی از منظر نظریه‌ی فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی است. در این میان در هر نظریه، حوزه‌های جدید پژوهشی معرفی شده‌اند؛ در عین حالی که نارسایی‌های هر یک از دو نظریه لحاظ گردیده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، قرآن و حدیث، ادبیات فارسی، نظریه‌ی آمریکایی، نظریه‌ی فرانسوی

مقدمه

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: عبدالله رادمرد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

ایرانیان از همان آغاز ورود اسلام به ایران با این که به دین اسلام گرویدند، اما هویت، فرهنگ و زبان خویش را نیز حفظ کردند. ایشان نخستین قومی بودند که قرآن را به فارسی ترجمه کردند و تاریخ و تفاسیر آیات قرآنی را تدوین و به فارسی برگرداندند. ایرانیان قرآن را کتاب زندگی و رستگاری می‌دانستند و آیات و معانی این کتاب بر همه‌ی جنبه‌های زندگی ایشان تأثیرگذار بود. طبیعی است در این میان شاعران و نویسندگان ادب فارسی که عموماً خود از عالمان دینی و آگاه به قرآن و علوم آن بودند بیش از عموم مردم آیات قرآن و گفته‌های بزرگان دین اسلام بر ذهن و نگرش ایشان اثرگذار بود و در آثار شعر و نثرشان نمود و تجلی می‌یافت.

از این رو آیات قرآن و گفته‌های بزرگان دین اسلام را می‌توانیم مهم‌ترین و پرنفوذترین منبع تأثیرگذار بر مجموعه آثار ادبیات فارسی از گذشته تا به امروز بدانیم؛ به گونه‌ای که کم‌تر اثری در ادبیات فارسی را - خصوصاً ادب گذشته - می‌توان یافت که ابعاد مختلف زبانی، بلاغی و محتوایی قرآن و حدیث بر آن تأثیرگذار نبوده باشد. در این زمینه نویسندگان پرشماری پژوهش‌های متنوعی در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه تدوین و تألیف کرده‌اند تا ریشه‌ها و اشارات قرآنی و حدیثی برخی از آثار منظوم و منثور فارسی را آشکار، تفسیر و تحلیل کنند.

ادبیات تطبیقی یکی از گرایش‌های نقد ادبی است که هدف عمده‌ی آن مقایسه‌ی آثار ادبی و شناسایی روابط میان آن‌ها با هم‌دیگر یا سایر دانش‌های بشری است. بر این اساس مسأله‌ی اثرگذاری قرآن و حدیث بر ادب فارسی می‌تواند از مسائل مهم و پردامنه‌ی دانش ادبیات تطبیقی باشد. اما تاکنون از این منظر به پژوهش‌های قرآن و حدیث نگرسته نشده است. در این پژوهش ما برآنیم از منظر ادبیات تطبیقی به پهنه‌ی اثرگذاری قرآن و حدیث بر ادب فارسی بنگریم. مقصود از ادبیات تطبیقی دو نظریه‌ی اساسی آن، نظریه‌ی فرانسوی و آمریکایی می‌باشد. نظریه‌ی فرانسوی بیش‌تر گرایش تاریخی ادبیاتی دارد و اختلاف زبانی و تأثیر و تأثر تاریخی میان دو اثر ادبی برای مقایسه مهم تلقی می‌شود. اهمیت تأثیر و تأثر تاریخی در نظریه‌ی فرانسوی تا جایی است که ژان ماری کاره، استاد به‌نام و صاحب‌نظر در مکتب ادبیات تطبیقی فرانسوی، در تعریف خود از ادبیات تطبیقی، آن را شاخه‌ای از تاریخ ادبیات می‌داند که در سیر تاریخی ادبیات ملل به مطالعه و بررسی روابط ظاهری و معنوی ملّت‌ها می‌پردازد و ام.اف. گوپارد ادبیات تطبیقی را تاریخ روابط ادبی بین الملل می‌داند و وظیفه‌ی پژوهشگر ادبیات تطبیقی را پشت سر نهادن مرزهای ملی و زبانی خودش، برای بررسی مبادلات ادبی میان ملّت‌ها بیان می‌کند (گوپارد ۱۲-۲۳)؛ سیمون ژون نیز در کتاب ادبیات عمومی و ادبیات تطبیقی، بررسی تأثیرات و تأثرات را در کانون مطالعات ادبیات تطبیقی جای داده

۱ عنوان تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی با توجه به حرف اضافه «بر» و «در» تحلیل‌های متفاوتی خواهد داشت اگر تأثیر «بر» مقصود باشد بیش‌تر تأثیرگذاری بر ظاهر کلام مد نظر است مانند تأثیرگذاری زبانی، آوایی، نحوی و ادبی؛ اما در صورتی که مقصود تأثیر «در» باشد، بیش‌تر تأثیرگذاری محتوایی و درون‌مایه‌ای مد نظر است؛ مانند تأثیرگذاری تفسیر یا تأویلی.

است (ژون ۲۵-۵۳). عبده عبود نیز هدف اندیشمندان ادبیات تطبیقی را تلاش برای بررسی پدیده‌های تأثیر و تأثر میان ادبیات ملی مورد مقایسه است (عبده، ۱۴۰۱: ۲۷).

اما در نظریه‌ی آمریکایی تفاوت محیط فرهنگی میان دو اثر ادبی فارغ از تفاوت زبانی و نیز رابطه‌ی ادبیات و سایر حوزه‌های دانش مهم به‌شمار می‌آید. نظریه‌ی آمریکایی در طول نیمه‌ی اول قرن بیستم در تضاد با مکتب فرانسوی شکل گرفت که قیدهایی این نظریه را در انجام پژوهش‌های تطبیقی نادیده انگاشت. رنه ولک که در رأس این مکتب قرار داشت به انتقاد از مکتب فرانسوی پرداخت. زیرا به گمان وی این مکتب شیوه‌ی اروپامحوری را بر تمامی پژوهش‌های تطبیقی خود اعمال می‌کرد (گیار ۷) [به نقل از: ساجدی صبا ۲۸-۲۱]. او معتقد بود «مرکز توجه این رشته باید ادبیت و زیباشناسی و هنر باشد و نه صرفاً بررسی منابع و تأثیرات» (ولک ۸۵). ولک می‌گوید: بیانات بالندس پرژه، وان تیئنگم، کاره و گی یارد روش‌شناسی منسوخی را بر دوش ادبیات تطبیقی نهاده و دست روی واقعیت‌گرایی و علوم‌گرایی و نسبت‌گرایی تاریخی قرن نوزدهمی گذشته‌اند و تلاش برای محدود کردن ادبیات تطبیقی به مطالعه‌ی داد و ستد خارجی ادبیات ملت‌ها قطعاً سرانجام نامطلوبی دارد (ولک ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴). هم‌چنین زیگبرت پراور نویسنده‌ی کتاب درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی از رنه ولک نقل می‌کند: «اساساً ادبیات تطبیقی در فرانسه بر انبوهی از مستندات در خصوص روابط ادبی، به‌خصوص در باب تاریخ شهرت و اقبال نویسندگان در میان ملل دیگر و واسطه‌هایی مانند سیاحان، مترجمان و مبلغان متمرکز است. فرض سست چنین تحقیقاتی این است که حقیقت مسلمی وجود دارد که با نخ نامرئی به حقایق قبلی متصل است؛ اما تصوّر «علت» در مطالعات ادبی مبنای علمی ندارد؛ هیچ کس تاکنون نتوانسته است نشان دهد که اثری هنری به علت اثر هنری دیگری به وجود آمده باشد، حتی اگر انبوهی از هم‌سانی‌ها و مشابهت‌ها را گرد هم آوریم» (۵۳-۵۴).

علی‌رغم این که مسأله تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی قابلیت تحلیل از منظر نظریه‌های ادبیات تطبیقی را دارد تاکنون پژوهشی به بررسی نسبت‌سنجی پژوهش‌های قرآن و حدیث با ادبیات فارسی انجام نشده است. در این جستار برآنیم که ضمن بررسی این نسبت به فرصت‌ها و چالش‌های بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی از منظر این دو نظریه‌ی بنیادین در ادبیات تطبیقی بپردازیم.

سؤالات تحقیق

در این مقاله بر بنیان مقدماتی که بیان شد دو پرسش را مطرح می‌کنیم و در پی پاسخ به آن‌ها خواهیم بود:

- ۱- نسبت میان نظریه‌ی فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی با پژوهش‌های تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی چیست؟
- ۲- محدودیت‌ها و نارسایی‌های دو نظریه‌ی فرانسوی و آمریکایی در پژوهش‌های تطبیقی قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی چیست؟

پیشینه تحقیق

در حوزه‌ی تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی آثار مستقل متعددی نوشته شده است که بر اساس دسته‌بندی زیر به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱-۳- آثار مستقل: این گونه آثار مستقلاً به موضوع تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی می‌پردازد؛ به عبارتی دیگر مسأله‌ی اصلی و مرکزی در این گونه آثار تأثیر قرآن و حدیث بر آثار ادبی یک یا چند شاعر و نویسنده است. این دسته خود بر دو گونه‌اند:

۱-۳-۱- فرهنگ‌واره‌ها یا فهرست‌واره‌ها: این آثار چند نوع است:

آ- آثاری که ابتدا آیات قرآن و احادیث را بر اساس نظامی هم‌چون الفبا یا موضوع (مانند عرفانی، اخلاقی، بلاغی) تنظیم می‌کند و ابیات مربوط به هر آیه را از یک شاعر ذکر می‌کند؛ مانند: گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی نوشته‌ی عبدالحمید حیرت سجادی.

ب- آثاری که اشعاری از یک یا چند شاعر را ذکر می‌کند و آیات و احادیث مرتبط با آن را صرفاً نقل می‌کند؛ مانند احادیث مثنوی نوشته‌ی بدیع الزمان فروزانفر، قرآن و مثنوی (فرهنگ‌واره‌ی تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی) تدوین بهاء الدین خرمشاهی و سیامک مختاری و قرآن در مثنوی تألیف علی‌رضا میرزا محمد رایج‌ترین باور از پژوهش‌های تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی در این بخش می‌گنجد.

۲-۱-۳- آثار تحلیلی: هدف اصلی در این گونه آثار صرفاً بیان آیات قرآنی، تفاسیر و احادیث مرتبط با آثار منظوم و منثور فارسی نیست؛ بلکه مؤلف به تحلیل و ارزیابی شیوه‌ی به‌کارگیری آن عبارات قرآنی، تفسیری و حدیثی نیز می‌پردازد و از این رهگذر تقسیم‌بندی‌هایی از این نوع اثرگذاری‌ها ارائه می‌دهد؛ مانند تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی از محمد راستگو و پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی از محمدرضا راشد محصل.

۲-۳- آثار غیر مستقل: در این گونه آثار مسأله‌ی اصلی تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی نیست و مسأله‌ی اصلی، شرح، تفسیر و نقد یک اثر ادبی است؛ اما در ضمن این کار تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی نیز پرداخته می‌شود؛ مانند حافظ‌نامه از بهاء الدین خرمشاهی، شرح جامع مثنوی معنوی نوشته‌ی کریم زمانی و شرح گلستان سعدی از محمد خزائلی.

در مجموعه آثار انجام شده موضوع نسبت قرآن و حدیث با ادب فارسی از منظر ادبیات تطبیقی و فرصت‌ها و نارسایی‌های آن در جایگاه مسأله اصلی پژوهشی مطرح نشده است و در این جستار بر آنیم به این مسأله نگاهی نداشته باشیم.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از منظر فضا و محیط انجام آن، کتابخانه‌ای و از منظر شیوه‌ی تحلیل، مقایسه‌ای - تحلیلی است؛ با این توضیح که نخست نسبت شاخص‌ها و حوزه‌های پژوهشی دو نظریه

فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی را با مطالعات قرآن و حدیث و ادب فارسی مقایسه و تحلیل کرده‌ایم و سپس با تحلیل هر یک از این نظریه‌ها نارسایی‌های هر یک را در پژوهش‌های این عرصه شناسایی می‌کنیم.

بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی از منظر ادبیات تطبیقی

پژوهش‌های حوزه‌ی تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی بر بنیان تأثیر و تأثر و مقایسه استوار است؛ بنابراین روش پژوهشی آن مقایسه‌ای یا تطبیقی است. از این رهگذر اولین رویکرد نقد ادبی که متناسب با این نوع مسائل باشد، رویکرد ادبیات تطبیقی و روش پژوهشی آن می‌باشد و دو نظریه‌ی اصلی آن یعنی نظریه‌ی فرانسوی و نظریه‌ی آمریکایی مطرح می‌شود.

نظریه‌ی فرانسوی و تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی

دو شاخصه‌ی اصلی نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی اختلاف زبانی و تأثیر و تأثر تاریخی است؛ با بررسی رابطه‌ی میان تأثیر قرآن و حدیث با ادبیات فارسی مشاهده می‌کنیم که این دو شاخصه در این رابطه وجود دارد. با این توضیح که از یک سو آثار ادب فارسی بنا به شواهد مستقیم تاریخی و یا غیر مستقیم تحت تأثیر و نفوذ قرآن و حدیث بوده و از سوی دیگر اختلاف زبانی میان آن‌ها هست؛ بنابراین می‌توان تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی را از منظر نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی و روش‌شناسی آن مطالعه کرد. از آن جایی که تأثیر و تأثر یکی از مبانی اصلی نظریه‌ی فرانسوی است^۱، انواع اثرگذاری میان ادبیات فارسی و قرآن و حدیث را از دو منظر بررسی می‌کنیم

انواع اثرگذاری از منظر لایه‌های زبانی و محتوایی

تقسیم‌بندهای گوناگونی از انواع تأثیرگذاری قرآن و حدیث بر ادب فارسی انجام شده است که هر یک کارکردهای تحلیلی خود را دارد. در این جستار بر اساس حرکت از سطح لایه‌ای زبان تا محتوا دو نوع تأثیرگذاری زبانی - بلاغی و محتوایی را معرفی می‌کنیم.

تأثیرگذاری زبانی - بلاغی: این نوع تأثیرگذاری را که مربوط به اثرگذاری‌های زبانی و بلاغی قرآن بر آثار منظوم و منثور فارسی است به سه بخش تقسیم می‌کنیم:

آ- آوایی: مقصود اثرگذاری آوایی کلمه یا جمله‌ی قرآنی بر آوای عبارت ادب فارسی است. مانند تأثیر آوایی آیه‌ی «انظرونا نقتبس من نورکم» (حدید / ۱۳)، بر شکل‌گیری وزن مثنوی (عربی ۹۵).

نیست جز لا اله الا الله (جامی ۷۸)	صیقل آن اگر نه‌ای آگاه
آمدی در شمار مستثنا	ز آیت لا یَمَسُّهُ إِلَّا

۱ تیگم موضوع اصلی ادبیات تطبیقی را بررسی تأثیر و تأثر آثار ادبی ملت‌های مختلف می‌داند (تیگم ۵۷) و گویند ادبیات تطبیقی را مطالعه‌ی تاریخ روابط ادبی بین‌المللی می‌داند (گویند ۱۶) و تأثیر و تأثر تاریخی را از لوازم اصلی پژوهش تطبیقی تعریف می‌کند (همان: ۲۴).

جامی در بیت نخست اسم قافیه‌ی آگاه را از «الله» ساخته و در بیت قافیه‌ی «مستثنا» را از «إلا» بی ساخته است که متعلق به آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی واقعه می‌باشد.^۱

ب- واژگانی: در این نوع تأثیرگذاری واژه‌ها و ترکیب‌های قرآن و حدیث در عبارات نثر و نظم فارسی به کار می‌روند.

ای قوبدل به رفیع الدرجات وز برائت به جهان داده برات (خاقانی ۷۵۴)

رفیع الدرجات ترکیبی قرآنی (غافر / ۱۵) است که خاقانی آن را در شعرش به کار برده است.

فیض ام الكتاب پروردش لقب امی خدای از آن کردش (جامی ۷۸)

به تعوذ چو پاک کردی راه متوسل شدی به بسم الله

در این بیت نخست امی از سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۵۸ برگرفته شده و شاعر کلمه‌ی «تَعُوذُ» را با تصرّفی از کلمه‌ی «فَاسْتَعِذْ» سوره‌ی نحل آیه‌ی ۹۸ گرفته است.^۲

پ- بلاغی: مقصود انواع تأثیرگذاری بلاغی قرآن بر متون نظم و نثر فارسی است؛ مانند:

در میان قوم موسی چند کس بی ادب گفتند کو سیر و عدس (مولوی ج ۱: ۶).

سیر و عدس در این بیت برگرفته از آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی بقره است^۳ و در حوزه‌ی علم بیان و مجاز از نوع ذکر جزء (سیر و عدس) و اراده‌ی کل (طعام و غذا) می‌باشد.

آن پسر را کش خضر ببرد خلق سرّ آن را درنیابد عام خلق (مولوی ج ۱: ۱۴).

این بیت نیز از نظر بلاغی تلمیحی است به داستان موسی و خضر - ع - (کهف / ۷۴). حافظ در این بین از آرایه‌ی حل استفاده می‌کند:

شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر سلامّ فيه حتّی مطلع الفجر (حافظ ۱۷۰)

برق سینا شکوه سنج از بی‌زبانی‌های شوق هیچ کس در وادی ایمن تقاضایی نداشت

(اقبال لاهوری ۱۵۷).

در این بیت اقبال لاهوری برق سینا را استعاره‌ی مکنیه از تجلّی نور الهی بر کوه سینا آورده و وادی ایمن به بخشی از داستان زندگی حضرت موسی - ع - اشاره دارد.

اشتری چون عنکبوت از لاغری خیمه بالایش کبیت العنکبوت

۱ لا يَمُتُهُ إِلَّا مُطَهَّرُونَ (واقعه / ۷۹)

۲ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ.

۳ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا (بقره / ۶۱)

در این بیت، چادر بالایی اشتر به بیت العنکبوت مقتبس از آیه ۴۱ سوره ی عنکبوت تشبیه شده است. **تأثیرگذاری محتوایی:** مقصود آن‌گونه از اثرگذاری‌های قرآن و حدیث در لایه‌های محتوایی ادب فارسی است که آن را به سه بخش تقسیم می‌کنیم:

آ- ترجمه‌ای: مقصود ترجمه‌ی آیات قرآنی و احادیث در متون نظم و نثر فارسی است.

بر خوی ملک باشد در شهر رعیت پیغمبر گفت این سخن و حیدر کزّار (ناصر خسرو ۱۶۵)

که مصرع نخست ترجمه‌ای ادبی است از حدیث «النَّاسُ عَلِي دِينَ مَلُوكِهِمْ» (مجلسی ج ۱۰۲: ۷).

ب- تفسیری: در مواردی که شاعر یا نویسنده تفسیر خود را از آیات و احادیث بیان می‌کند.

قیمت هر کس به قدر علم اوست هم‌چنین گفته است امیر المؤمنین (ناصر خسرو ۱۱۹)

قِيمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُهُ (نهج البلاغه، حکمت ۸۷). در این بیت ناصر خسرو ما يُحْسِنُهُ را به علم تفسیر کرده است.

پ- تأویلی: آن بخش از آیات قرآن و احادیث که شاعر یا نویسنده با نگرشی تأویلی و ذوقی به آن‌های نگرسته و در اثر خویش انعکاس داده است.

مسکن یارست و شهر شاه من پیش عاشق این بود حبّ الوطن (مولوی ج ۱: ۵۸۲)

در این بیت مولوی به حدیث معروف «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (امین ج ۱: ۳۰۱) نگرش تأویلی داشته است و وطن را مسکن و کوی معشوق پنداشته است.

ایزد عطاش داد محمد را نامش علی شناس و لقب کوثر (ناصر خسرو ۴۷)

که نگرش تأویلی ناصر خسرو است بر آیه إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ (کوثر/۱).

انواع تأثیرگذاری قرآن و حدیث بر ادب فارسی از منظر بینامتنیت

از منظر دیگر می‌توان انواع تأثیرگذاری قرآن و حدیث بر ادب فارسی را از منظر بازتاب اثرگذاری تقسیم‌بندی و تحلیل کرد.

تأثیر آشکار: مقصود این است که آشکارا گزاره‌ای از قرآن یا حدیث در ادبیات فارسی به کار می‌رود؛ مانند اثر پذیري بلاغی از نوع تضمین. در این نوع اثرگذاری شاعر یا نویسنده بافتار اثرش را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که خواننده آشکارا متوجه می‌شود که گزاره‌ای از قرآن و حدیث در متن فارسی به کار رفته است. کاربرد عین عبارت عربی قرآن یا حدیث بارزترین نشانه اثرگذاری آشکار قلمداد می‌شود. بنابراین آرایه تضمین و یا حل را می‌توانیم، دو آرایه مختص تأثیرگذاری آشکار بدانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

که نخستین بیت مخزن الأسرار نظامی است و مستقیماً از اولین آیه‌ی قرآن بهره برده است.

تأثیر نیمه آشکار: مقصود تأثیری است که به وسیله‌ی برخی نشانه‌های زبانی می‌توان پی‌برد که گزاره‌ی به‌کار رفته در متن تحت تأثیر قرآن و حدیث بوده است، مانند آرایه‌ی تلمیح در بیت زیر:

یقین می‌دان که این‌جا مذهب عشق و رای مذهب هفتاد و اند است (عطار ۱۳۳۹)

عبارت مذهب هفتاد و اند اشاره نیمه آشکار به حدیث «إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرُقُ بَعْدِي عَلَي ثَلَاثَةٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَ إِثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ» (قمی ج ۲: ۳۵۹).

تأثیر پوشیده یا پنهان: مقصود تأثیری است که با استفاده از تفسیر و تأویل می‌توان به تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی پی‌برد. بنابراین در شناسایی این نوع تأثیرگذاری نگرش خواننده متن ادبی نیز اصالت دارد و در واقع این خواننده متن ادبی است که میان گزاره ادبی شاعر یا نویسنده و آیه قرآن و حدیث رابطه‌ای را کشف می‌کند. مانند تأثیرگذاری تأویلی در بیت زیر:

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف گر بکشم زهی طرب و ر بکشد زهی شرف (حافظ ۲۰۱)

که این بیت از حافظ را می‌توانیم تأویلی از این آیه قرآنی بدانیم «قُلْ هَلْ تَرَىٰ صُورًا بِنَا إِلَّا إِخْدَىٰ الْحُسْنَيْنِ» (توبه/۵۲).

کارکردهای حوزه‌های نظریه‌ی فرانسوی در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی

در منابع مهم نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی هفت حوزه‌ی عمده‌ی پژوهشی برای آن نام برده شده است^۱ که هر یک از این حوزه‌ها را می‌توان بر بنیان تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی توصیف و تحلیل کرد و از این رهگذر به شناخت حوزه‌های جدید پژوهشی در عرصه دست یافت:

تأثیر يك اثر یا آفریننده‌ی ادبی بر اثر دیگر^۲: مهم‌ترین و گسترده‌ترین تأثیرگذاری قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی در همین حوزه‌ی اول صورت می‌گیرد که گزاره‌های مختلف زبانی و بلاغی، موضوعی و شخصی قرآنی و روایی مستقیماً بر ذهن و زبان شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی تأثیرگذار بوده است و این شاعران و نویسندگان به صورت‌های آشکار، نیمه‌آشکار و پنهان از این اثر تأثیر پذیرفته‌اند. این حوزه خود به سه قسمت تقسیم می‌شود:

آ) زبانی و بلاغی: و آن زمانی است که ویژگی‌های زبانی، بلاغی و زیباشناسی قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی اثرگذار باشد. به عنوان نمونه کلام مسجع گونه قرآن و برخی از بخش‌های نهج البلاغه در پیدایش و تکوین سبک منثور مسجع فارسی هم‌چون گلستان سعدی تأثیرگذار بوده است.

۱ درباره حوزه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی نک: گیاره، شورل، غنیمی هلال.

۲ در نظریه‌ی فرانسوی صاحبان شاهکارهای ادبی و تأثیر ایشان بر هم‌دیگر مورد توجه پژوهشگران ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرد؛ نک: تیگم ۱۳۰ و گویارد ۳۰.

ب) موضوعی: مقصود اثرگذاری موضوعات اساسی قرآنی یا حدیثی بر آثار فارسی است؛ مانند موضوع معراج پیامبر و آیات و احادیث مرتبط با آن که در معراج‌نامه‌های ادب فارسی از جمله معراج‌نامه‌ی جامی (یوسف و زلیخا) نمود یافته است.^۱

پ) شخصی: آن هنگام که شاعر یا نویسنده‌ی ادب فارسی فراتر از اثر ادبی‌اش تحت تأثیر پیامبر و دیگر شخصیت‌های دینی قرار می‌گیرد و یا تأثیرپذیری از قرآن و حدیث به زندگی شخصی شاعر و نویسنده گسترش می‌یابد، تأثیرگذاری شخصی صورت گرفته است؛ مانند مولوی که بر اساس مناقب العارفین افلاکی شیوه‌ی زندگی شخصی او سخت تأثیر تعالیم قرآنی و احادیث نبوی بوده است. روشن است برای پژوهش در این بخش نیازمندیم که به منابعی مراجعه کنیم که درباره‌ی شیوه‌ی زندگی شاعر یا نویسنده باشد.

سیمای اقوام و ملل در ادبیات دیگر (تصویرشناسی): بررسی تصویر اقوام و ملل از جنبه‌های مختلف در ادبیات ملّتی دیگر در این حوزه از ادبیات تطبیقی قابل بررسی است. در قرآن و حدیث بنا به موضوع‌های مشخص اطلاعات، اشارات و تصاویری از اقوام و ملل دیگر ارائه شده است؛ این تصاویر مستقیماً بر شکل‌گیری پیش‌فرض‌های ذهنی، عاطفی و خیالی شاعران و نویسندگان ادب فارسی تأثیرگذار بوده است و ایشان این تصاویر را به صورت‌های صریح و ضمنی بیان کرده‌اند.^۲ به عنوان نمونه تصویری که از قوم بنی اسرائیل، قوم عاد و ثمود، قوم نوح، قوم لوط یا اخدود ارائه شده است، مستقیماً بر تصویرسازی شاعران و نویسندگان ما از این اقوام تأثیرگذار بوده است. در برخی موارد حتی شاعران ما بر اساس تصویرسازی‌های قرآن نگرش ارزش‌گذارانه نسبت به اقوام داشته‌اند؛ به عنوان نمونه قرآن کریم اهل سعادت را در روز قیامت سفیدرو و اهل جهنّم را سیاه‌رو معرفی می‌کند^۳ و بر این اساس برخی شاعران ما به رومیان سفیدرو نگاه مثبت و زنگیان سیاه‌رو نگاه منفی دارند.^۴

بر این اساس اقوام را در قرآن و حدیث به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

آ) اقوام پیش از حیات پیامبر - ص؛ مقصود اقوامی هستند که پیش از حیات حضرت محمد - ص - حیات داشته‌اند و در زمان ایشان دیگر نبوده‌اند و تنها در قرآن و حدیث اطلاعات و تصاویری از ایشان ارائه شده است؛ مانند اقوام لوط، سبا، ثمود، عاد.^۵

۱ از آن دولت‌سرای چون خواجه‌ی دین خرامان شد به عزم خانه‌ی زین

شد از سبوحیان گردون صدا ده

که سبوحان الذي أسرى بعبده

درباره‌ی این حوزه نک: گویارد ۱۴۳-۱۵۷؛ نامورمطلق «درآمدی بر تصویرشناسی (معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی)»، ۲، صص: ۱۱۹-۱۳۸؛ غنیمی هلال ۱۳۲-۱۳۳.

۳ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶) وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۰۷)

نک: قبول: بررسی کارکردهای نمادین رومیان در مثنوی مولوی، صص ۹۷-۱۱۰.

۵ برخی آیات درباره‌ی این اقوام: تَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ (ص/۱۳)

ب) اقوام هم‌عصر پیامبر - ص: اقوامی هستند که حیات آن‌ها تا زمان پیامبر نیز ادامه داشته است و در قرآن و حدیث از ایشان نام برده شده است؛ مانند مانند ایرانیان، رومیان، مصریان، چینیان، هندیان^۱.

تأثیر يك منبع مشترك بر دو اثر: این حوزه‌ی پژوهشی ادبیات تطبیقی به این موضوع می‌پردازد که يك منبع مشترك در ادبیاتی چگونه بر ادبیات دو ملت دیگر تأثیرگذار بوده است و چه دگرگونی‌هایی در این بهره‌برداری مشترك در میان آن دو اثر ادبی قابل مشاهده و بررسی است. از جمله مواردی که در این حوزه‌ی نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی می‌توان نام برد این است که برخی از مطالب و داستان‌های قرآن و احادیث اسلامی با موارد نظیر در متون مقدس کهن هم‌چون تورات و انجیل یکسان و مشابه است؛ بنابراین بنا به تقدیم و تأخر زمانی متون، این گونه متون مقدس را منبع متقدم نسبت به قرآن و احادیث نام می‌بریم. از سوی دیگر ادبیات فارسی مستقیم و غیر مستقیم متأثر از متون کهن مقدس بوده است مانند تأثیر اسرائیلیات بر ادبیات فارسی؛ بنابراین شباهت‌های متونی همچون تورات و انجیل با قرآن و حدیث از يك سو و ادبیات فارسی از سوی دیگر و مقایسه‌ی تأثیرپذیری آن‌ها از این منبع مشترك در این حوزه‌ی پژوهشی ادبیات تطبیقی جای می‌گیرد. مانند حکایت «وزیر مکر اندیش و پادشاه جهود» در دفتر اول مثنوی که با مضمون آن چه اهل تفسیر در باب «بولس رسول» و نقش او در ایجاد اختلاف بین طوایف نصاری نقل کرده‌اند شباهت دارد (زرین کوب ۳۰۵). فروزانفر معتقد است که این داستان مثنوی تحت تأثیر آشنایی مولانا با مسیحیان و به عبارتی انجیل بوده است. از سوی دیگر روایت انجیل با آن چه که در تفاسیر قرآن از آیه‌ی *فَاُخْتُلَفَ الْأَخْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ* (مریم / ۳۷) آمده، شباهت دارد.

تأثیر يك جریان مشترك فكري بر دو ادبیات: هنگامی که يك جریان فکری واحد دو اثر ادبی در دو زبان مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد، امکان پژوهشی در این حوزه‌ی ادبیات تطبیقی فراهم است^۲. قرآن و حدیث تحت تأثیر جریان‌های فکری‌ای هم‌چون یکتاپرستی بوده که بن‌مایه‌ی همه‌ی ادیان الهی بوده است^۳. همین جریان فکری در شکل‌گیری برخی از آثار ایران پیش از اسلام نقش داشته و بسیاری از آثار ادبی پس از اسلام مانند شاهنامه متأثر از این گونه آثار ادبی پیش از اسلام بوده است. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تأثیرپذیری دو جریان قرآنی و حدیثی از يك سو و ادبیات فارسی متأثر از ادبیات پیش از اسلام در زمینه یکتاپرستی از سوی دیگر در این حوزه‌ی ادبیات تطبیقی قابل بررسی است.

تأثیر موضوعي يك ادبیات بر ادبیات دیگر: در این حوزه‌ی ادبیات تطبیقی، موضوعات اساسی يك ادبیات که به واسطه‌ی روابط تاریخی وارد ادبیات دیگری شده است، مقایسه و تحلیل می‌شود^۴. در این زمینه ریشه‌ی

۱ برخی احادیث و آیات درباره‌ی اقوام شامل این موارد است؛ درباره‌ی ایرانیان: «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنْوُطًا بِاللُّزْيَا لَتَنَاوَلْتَهُ رَجُلٌ مِنْ فِارِسَ» بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۷۵. درباره‌ی چینیان: از پیامبر نقل شده است: «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ بِالصِّينِ» بحار الأنوار ج ۱: ص ۱۸۰؛ درباره‌ی رومیان: «غَلَبَتِ الرُّومُ

(۱) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۲) فِي بَعْضِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمَنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۳) (روم)

۲ درباره‌ی این حوزه‌ی پژوهشی نک: گویارد ۱۴۱-۱۲۱ و غنیمی هلال ۱۳۱-۱۳۲.

۳ در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (أنعام/۱۹).

۴ درباره‌ی این حوزه‌ی پژوهشی نک: گویارد ۶۵-۷۳؛ پراور ۹۱-۱۰۴؛ غنیمی هلال ۱۲۹.

بسیاری از موضوعات بنیادین ادب فارسی را می‌توانیم در قرآن و حدیث بجوییم. به عنوان نمونه موضوعاتی هم چون کلام، فقه، عرفان و زهدگرایی و یا آدم و شیطان از موضوعات اساسی برگرفته از قرآن و حدیث است که در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان در جایگاه موضوعات پایه مطرح شده است.

تأثیر انواع ادبی: هر گونه انواع ادبی در ادبیات ملتی که بتوان ریشه‌های آن را در ادبیات ملتی دیگر بازجست، در این حوزه جای می‌گیرد.^۱ این حوزه‌ی پژوهشی در بخش تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی مسائل گوناگونی را شامل می‌شود؛ به عنوان نمونه سبک کلامی قرآن و حدیث در شکل‌گیری سبک کلامی و زبانی گونه‌ها و قالب‌های ادبی مؤثر بوده است؛ مانند سبک روایت‌پردازی داستان در داستان مثنوی مولوی که برگرفته از قرآن می‌باشد و یا سبک کلامی قرآن به شیوه اجمال و تفصیل است چنان‌که اجمال قرآن در سوره‌ی حمد است و تفصیل آن در دیگر آیات که این سبک در عموم آثار ادبی قابل مشاهده است؛ هم‌چون: رابطه‌ی میان غزل اول حافظ و دیگر غزلیات وی یا نی‌نامه‌ی مولوی و بخش‌های بعد آن که از همین قاعده‌ی قرآنی و حدیثی تبعیت می‌کند.

بررسی عوامل انتقال: عوامل انتقال ادبیات از زبانی به زبان دیگر به دو گونه قابل تقسیم هستند:

آ) آثار و تألیفات: کتاب‌ها به خوبی می‌توانند روابط ادبی میان ملت‌ها را نشان دهند. به کمک همین آثار، شدت و ضعف روابط ادبی میان کشورها و جوامع و حتی روابط میان آثار ادبی معلوم می‌شود (غنیمی هلال ۱۲۴-۱۲۳). مانند بسیاری از شاعران و نویسندگان ادب فارسی که به زبان عربی و قرآن و حدیث تسلط داشته‌اند و آثاری به زبان عربی آفریده‌اند و افرادی چون مولوی و حافظ مفسر قرآن بوده‌اند. بررسی ترجمه‌ها و جستجوی انگیزه‌ی ترجمه آثار نیز در همین بخش می‌گنجد.^۲ آغاز آشنایی بسیاری از مردم ایران - خصوصاً خراسان - با معانی و مفاهیم قرآنی و حدیثی از رهگذر ترجمه و تفاسیر قرآن در دوره‌ی سامانیان شکل گرفت. این ترجمه‌ها و جریان ترجمه‌نویسی بر قرآن و حدیث بر شکل‌گیری بسیاری از آثار ادب فارسی اثرگذار بوده است و بررسی این مسأله در این حوزه جای می‌گیرد. مانند تأثیری که ترجمه تفسیر طبری از قرآن بر آثار ادبیات فارسی پس از خود داشت؛ این تأثیر می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد: تأثیر نوع نگرش، تأثیر نوع روایت و روایت‌پردازی، تأثیر تحریفات و یا مسائلی چون: بررسی دلایل استقبال شاعران از یک ترجمه یا تفسیر خاص.

ب) نویسندگان: در این بخش، زندگی نویسندگان، ارتباط ایشان با کشور خارجی و مراحل آشنایی‌شان با کشور خارجی مورد توجه است؛ هم‌چون سعدی که بخشی از زندگی‌اش را در بغداد گذرانده است و در نظامیه‌ی بغداد به استادی طراز اول تبدیل می‌شود.

۱ درباره‌ی این حوزه‌ی پژوهشی نک: پراور ۱۰۵-۱۱۹؛ غنیمی هلال ۱۲۵-۱۲۸.

۲ درباره‌ی این حوزه‌ی پژوهشی نک: پراور ۷۴-۹۰؛ شورل ۴۰-۴۳؛ غنیمی هلال ۱۲۳-۱۲۵؛ انوشیروانی ۷-۲۵.

چالش‌های نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی در تحلیل تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی

با همهی توانش ظرفیت‌سازی و تنوع‌بخشی‌ای که نظریه‌ی فرانسوی ادبیات در پژوهش‌های قرآن و حدیث بر ادب فارسی دارد، اما این نظریه و بنیان‌ها و روش پژوهشی آن، گاه چالش‌ها و نارسایی‌هایی را در فضای فکری اسلامی در این عرصه‌ی پژوهشی پدید می‌آورد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

فراپرسی بودن خالق قرآن: بر اساس نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی علت ضرورت تفاوت زبان در میان دو ادبیات این است که زبان آفریننده‌ی اثر ادبی شکل دهنده‌ی تفکر اوست (ندا ۲۹)؛ بنابراین آفریننده تحت تأثیر زبان مادری، جغرافیا، سنت و ویژگی‌های درونی‌اش، اثری ادبی را خلق می‌کند. حال انتقال یک مفهوم از فضای ذهنی و زبانی یک شاعر یا نویسنده به فضای ذهنی و زبانی شاعر و نویسنده‌ای در ادبیات دیگر و تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که شکل می‌گیرد، ارزش پژوهش تطبیقی دارد.

این در حالی است که بنابر نظر مسلمانان هیچ یک از این متغیرها در مورد خداوند سبحان، صادق نیست و خالق قرآن وجودی است که از هر محدودیت زمانی، مکانی و تأثیرپذیری پاک و منزّه است. بنابراین حوزه‌ی اول پژوهشی نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی با چالش جدی روبرو می‌شود که در این حوزه پژوهشگر بر آن است که در بخش‌هایی آشکار کند چگونه محدودیت‌های زمانی یا مکانی آفریننده‌ی اثر اول بر اثر دوم تأثیر داشته است و یا محدودیت‌های زمانی و مکانی خالق اثر اول در مفهوم‌پردازی اثر دوم از میان می‌رود.

بنیادین بودن تفاوت زبانی: در نظریه‌ی فرانسوی یکی از عوامل اصلی پژوهش تطبیقی اختلاف زبانی میان دو اثر است؛ چراکه نظریه‌پردازان فرانسوی معتقدند زبان شکل دهنده‌ی تفکر است؛ بنابراین با انتقال یک معنا از یک زبان به زبان دیگر امکان بررسی دگرپرسی آن معنا از یک زبان به زبان دیگر میسر می‌شود. این عامل خصوصاً بر بنیان ادبیات فرانسه و ادبیات دیگر ملل اروپایی قرن نوزدهم شکل گرفته است (همان). این مؤلفه نمی‌تواند درباره‌ی رابطه‌ی شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی با قرآن و حدیث و به شکل عام ادبیات عربی سازگار باشد؛ چراکه غالب شاعران و نویسندگان ادب فارسی - خصوصاً در دوران قبل‌تر - به زبان عربی و متون قرآنی و حدیثی تسلط کامل داشته‌اند به گونه‌ای که بسیاری از ایشان به زبان عربی آثار ممتاز ادبی خلق کرده‌اند؛ لذا این سؤالات و ابهامات اساسی شکل می‌گیرد که آیا مقایسه‌ی شعر عربی و فارسی شاعری هم‌چون سعدی در نظریه‌ی فرانسوی ما را به اهداف مورد نظر آن می‌رساند؟ و تفاوت‌های بنیادین ذهنی سعدی در معناپردازی در دو زبان فارسی و عربی قابل شناسایی و تحلیل علمی است؟^۱ یا این که شعر فارسی حافظ قابلیت مقایسه با ادب عربی را دارد اما شعر عربی همین شاعر، قابلیت مقایسه با ادب عربی را ندارد؛ چراکه هر دو به زبان عربی است.

۱ مثال دیگر بررسی لامیه العرب شنفری و لامیه العجم طغرانی که هر دو به زبان عربی است؛ اما شنفری شاعر عرب دوره‌ی جاهلی است و طغرانی شاعر ایرانی عهد سلجوقیان که این مسأله نیز بر بنیان نظریه‌ی فرانسوی قابل بررسی نیست اما بر اساس نظریه‌ی آمریکایی قابلیت بررسی را دارد (نعمت الله ایرانزاده: ۴۷۳). محمد بن بحر الإصفهانی مفسر ایرانی که آثاری به زبان عربی دارد (حسینی ۲۵۳)

بی‌معنا بودن ارتباط تاریخی میان قرآن و آثار پیش از آن: دومین اصل بنیادین نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی تأثیر و تأثر تاریخی میان دو اثر است؛ در حالی که این تأثیر و تأثر تاریخی بنا به باور مسلمانان درباره‌ی قرآن بی‌معناست؛ به عنوان نمونه بر اساس باور مسلمانان نمی‌توان پنداشت که مضامین قرآنی تحت تأثیر شعر دوره‌ی جاهلی بوده است به این دلیل که نسبت به آن‌ها متأخر بوده است. هم‌چنین تأثیر تاریخی کتاب‌های مقدس پیشین مانند تورات و انجیل بر قرآن نیز محلّ اشکال است؛ چراکه بنا به باور مسلمان خالق همه‌ی این کتاب‌های مقدّس خداوند واحد است و اگر اختلافی در این متون مشاهده می‌شود یا به دلیل تفاوت مخاطب و دوره است و یا به دلیل تحریفات انسانی است که در متون مقدس پیشین نسبت به قرآن پدید آمده است. بنابراین در نظریه‌ی فرانسوی خالق اثر ادبی انسانی است با همه‌ی محدودیت‌ها و خلق و خوی انسانی‌اش در حالی که خالق قرآن، خداوندی است که از این محدودیت و ویژگی‌های انسانی منزّه است.

اروپامحوری نظریه‌ی فرانسوی: نظریه‌ی فرانسوی اساساً مایل است غرب و فرانسه را سرچشمه‌ی ادبیات جهان بداند در حالی که روابط میان قرآن و حدیث و ادب فارسی خارج از این فضا است.

نظریه‌ی آمریکایی ادبیات تطبیقی و تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی

نظریه‌ی آمریکایی ادبیات تطبیقی مرزهای مقایسه را فراتر از تأثیر و تأثر تاریخی و اختلاف زبانی به پیش می‌برد و هر نوع شباهت و یا تفاوتی را موضوع پژوهش ادبیات تطبیقی می‌داند. هنری رماک در مقاله‌ی «ادبیات تطبیقی: تعریف و کارکرد آن»^۱ نظریه‌ی آمریکایی را تعریف می‌کند. وی معتقد است ادبیات تطبیقی از یک سو ادبیات ملل گوناگون را فارغ از اختلاف زبانی مقایسه می‌کند و از دیگر سو به مقایسه‌ی ادبیات و سایر حوزه‌های دانش از جمله هنر، تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و الهیات می‌پردازد (رماک ۳).

بر اساس این تعریف دو حوزه‌ی عمومی پژوهش برای تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی قابل ذکر است: حوزه‌ی نخست عبارت است از کلیه‌ی روابط ادبی میان قرآن و حدیث با آثار شاعران و نویسندگان ایرانی - چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی - و حوزه‌ی دوم تأثیر و نمود و بروز انواع دانش‌های برگرفته از قرآن و حدیث بر زبان و ادبیات فارسی.

روابط قرآن و حدیث با ادبیات فارسی

یکی از اشکالات نظریه‌ی فرانسوی در پژوهش‌های تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی، درباره‌ی شاعران و نویسندگان دو زبانه است. این شاعران و نویسندگان در آثار عربی‌شان نیز تحت تأثیر قرآن و حدیث بوده‌اند؛ در حالی که نظریه‌ی فرانسوی آن‌ها را در ساحت پژوهشی ادبیات تطبیقی نمی‌داند. در این زمینه حوزه‌ی نخست نظریه‌ی آمریکایی ادبیات تطبیقی این محدودیت را از میان برده و کلیه‌ی آثار عربی شاعران و نویسندگان ایرانی را با قرآن و حدیث مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهد؛ چراکه بر اساس نظریه‌ی آمریکایی

به دلیل اختلاف در فرهنگ شکل‌گیری این دو گونه آثار با وجود زبان واحد، امکان بررسی تطبیقی وجود دارد.^۱

به عنوان نمونه بیت زیر از سعدي که تحت تأثیر سوره‌ي «العصر» قرآن است در نظریه‌ي فرانسوي جایگاهی برای تحقیق ندارد؛ اما در حوزه‌ي آمریکایی قابلیت پژوهش تطبیقی را دارد.

رَبِحَتْ الهدي إن كنتَ عاملَ صالحٍ وَ إِن لَّم تَكُنْ وَ العصرِ إِنَّكَ فِي خُسْرٍ (سعدي ۱۳۹)

روابط علوم قرآنی و حدیثی با ادبیات فارسی

قرآن در طی تاریخ خود مهد پیدایش علوم متعددی شده است که به علوم قرآنی مشهور است. این علوم به حدی گسترده بوده است که سیوطی در کتاب الإیتقان فی علوم القرآن ۸۰ نوع آن را برمی‌شمارد و تصریح می‌کند این ۸۰ نوع قابلیت جداسازی به ۳۰۰ نوع دانش قرآنی را خواهد داشت (سیوطی ۱۳۷۶).^۲ هر یک از این علوم به نحوی بر ادبیات فارسی تأثیر گذاشته است و بررسی تأثیر این علوم بر ادبیات فارسی در حوزه‌ي دوم نظریه‌ي آمریکایی ادبیات تطبیقی انجام می‌شود؛ در حالی که نظریه‌ي فرانسوي وارد این حوزه‌هاي پژوهشی نمی‌شود.

علوم قرآن دارای ساحات و حوزه‌هاي متنوعی است که متناسب با هر حوزه، موضوع معینی در علوم قرآنی مطرح می‌شود؛ به عنوان نمونه از جهت این که کلامی است که ما را به مقصود خداوند متعال دلالت می‌کند، موضوع علوم تفسیری قرار می‌گیرد که در آن علم، معانی و مقاصد قرآن و مدلولات الفاظ آن شرح داده می‌شود. قرآن به عنوان یکی از مصادر تشریح و قانون‌گذاری موضوع علم فقه و حقوق اسلامی است و به عنوان دلیل و سند نبوت موضوع علم اعجاز القرآن. از منظر ارتباط با حوادث معینی که در عصر نزول آن اتفاق افتاده موضوع علم اسباب النزول و به اعتبار خواندنی بودنش موضوع علم قراءت و تجوید و به اعتبار نوشتنی بودنش موضوع علم رسم الخط قرار می‌گیرد.

به عنوان نمونه یکی از دانش‌های قرآنی، دانش کلام است و یکی از موضوعات مهم در این دانش، موضوع جبر و اختیار؛ این دو موضوع یکی از اصلی‌ترین موضوعات نگرشی در ادب فارسی از آغاز تاکنون بوده است و آثار پژوهشی گوناگونی درباره‌ي این موضوعات در آثار ادب فارسی نوشته است. بی‌شک منبع اصلی نگرش‌های جبرگرایانه و تفویض‌گرایانه ریشه در مفاهیم مرتبط با آن در قرآن و دانش مربوط به آن یعنی علم کلام دارد. دو بیت با دوروی کرد متفاوت از مولوی را می‌خوانیم:

ما همه شیران ولي شیر علم حمله‌شان از باد باشد دم‌به‌دم (مولوی ج ۱: ۳۳)
این که فردا این کنم یا آن کنم این دلیل اختیار است ای صنم (مولوی ج ۲: ۹۷۰)

۱ اهمیت فرهنگ در نظریه‌ي آمریکایی به گونه‌اي است که رماک مسأله‌ي ارتباط فرهنگ‌ها در بررسی تطبیقی را حوزه‌ي خاص ادبیات تطبیقی نسبت به ادبیات ملي می‌داند.

۲ درباره‌ي گستره‌ي حوزه‌هاي پژوهشی قرآن با دانش‌های دیگر نک: درزی و فراملکی: ۱۳۹۹.

یا دو شاخه‌ی اصلی در دین، علم الأصول و علم الفروع است که دانش‌های مربوط به آن برگرفته از قرآن و حدیث می‌باشد؛ از این رهگذر در هر جایی از ادبیات فارسی که درباره‌ی اصول یا فروع دین اسلام مطلبی ارائه می‌شود از منظر نظریه‌ی آمریکایی ادبیات تطبیقی قابل بررسی است. مثلاً در این بیت مولانا اولین موضوع علم الأصول یعنی توحید و عالم آن مطرح شده است:

زان سوی حس، عالم توحید دان / گر یکی خواهی بدان جانب بران (مولوی ج ۱: ۱۶۵)

هم‌چنین انبوه موضوعاتی از علومی چون الهیات، طب، طبیعیات، نجوم، علم النفس، عرفان و ... که برگرفته از آیات قرآنی و احادیث اولیاء دین بوده و در شعر و نثر فارسی تأثیرگذار بوده در همین حوزه‌ی دوم نظریه‌ی آمریکایی قابلیت بررسی و پژوهش دارد.

اشکال اساسی در نظریه‌ی آمریکایی مرزهای مبهم و گسترده‌ی این نظریه است. نظریه‌ی آمریکایی ویژگی‌های یک نظریه‌ی علمی را از جمله انسجام درونی، روشنی مرزها، عملیاتی بودن، شمولیت، مانعیت و استحکام درونی و بیرونی ندارد. در نظریه‌ی آمریکایی متغیرهای پژوهشی از ارتباطات ادبیات ملل گوناگون شروع می‌شود تا ارتباط ادبیات با سایر دانش‌های بشری. بنابراین متغیرها بسیار گسترده، متنوع و بعضاً ناهمگون است و این مغایر است با تعریف نظریه که عبارت است از: مجموعه‌ای از مفاهیم و فضایی مرتبط به هم. هم‌چنین این گستردگی موضوعی و مفهومی نمی‌تواند به توصیف، تبیین و پیش‌بینی همه‌ی مسائل پدیدآمده در ذیل نظریه‌ی آمریکایی منجر شود که این نیز مغایر با مفهوم نظریه است.^۱ در پژوهش‌های نظریه‌ی آمریکایی مهم نیست که چه چیزی با چه چیزی مقایسه می‌شود و معیار مقایسه چیست؛ فقط کافی است تشابهی هر چند سطحی پیدا کرد، در نظریه‌ی آمریکایی راه برای پژوهش‌های دیمی گشوده شده است (انوشیروانی: ۱۳۸۹: ۴۶).

در مجموع از رهگذر مقایسه‌ی دو نظریه‌ی آمریکایی و فرانسوی ادبیات تطبیقی می‌توان گفت که اشکالات نظریه‌ی آمریکایی برای پژوهش‌های تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات فارسی کم‌تر است؛ چرا که در این نظریه بیش از آن که خالق اثر ادبی مهم باشد خود اثر ادبی دارای اهمیت است؛ دیگر آن که اختلاف زبانی در این نظریه به عنوان اصل پژوهش تطبیقی تلقی نمی‌شود و سوم رویکرد نظریه‌ی آمریکایی تاریخی نیست.

نتیجه‌گیری

قرآن و حدیث دو منبع اصلی تأثیرگذار بر ادبیات فارسی است که می‌توان این تأثیرگذاری را بر بنیان نظریه‌های فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی بررسی کرد. در این راستا هفت حوزه‌ی اصلی پژوهشی نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی شامل تأثیر یک اثر بر اثر دیگر، تصویرشناسی، تأثیر یک منبع مشترک بر

۱ درباره‌ی نظریه و ویژگی‌های نیز ر.ک: (گری ۵-۸)؛ (پوپر ۴۷)؛ (فرهنگی ۴۹-۵۰).

دو اثر، تأثیر يك جریان مشترك فكري بر دو ادبيات، تأثیر موضوعي يك ادبيات بر ادبيات ديگر، تأثیر انواع ادبي، ترجمه‌پژوهي داراي قابليت‌هاي گسترده‌اي در پژوهش‌هاي تأثیر قرآن و حديث بر ادب فارسي دارد. در عين حال بر اساس دو بنیان ارتباط تاريخي و اختلاف زباني نظريه‌ي فرانسوي در اين عرصه‌ي پژوهشي اشکالاتي وارد مي‌شود که بي‌معنا بودن ارتباط تاريخي ميان قرآن و آثار پيش از آن، بنيادين بودن تفاوت زباني و فرايشري بودن خالق قرآن از جمله‌ي آن‌هاست. در مقايسه‌ي با نظريه‌ي فرانسوي نظريه‌ي آمريکايي کارايي بيش‌تري در اين عرصه‌ي پژوهشي دارد؛ چراکه اختلاف زباني را نادیده مي‌انگارد و با توجه به تأثیر عميق و گسترده‌ي انواع علوم قرآني بر ادبيات فارسي اين سطح از موضوعات نيز قابليت بررسي و پژوهش را پيدا مي‌کند؛ هرچند اشکالاتي که بر نظريه‌ي آمريکايي نسبت به نظريه‌ي فرانسوي وارد است هم‌چنان پابرجاست؛ هم‌چون نداشتن روش معين پژوهشي و مشخص نبودن مرزهاي نظريه‌ي آمريکايي ادبيات تطبيقي و پژوهش‌هاي بينارشته‌اي.

منابع

- امين، سيد محسن. *أعيان الشيعة*. ج ۱. بيروت: دار التعارف للمطبوعات. ۱۴۰۶.
- انوشيرواني، علي‌رضا. «آسيب‌شناسي ادبيات تطبيقي در ايران». *مجله‌ي ادبيات تطبيقي*. شماره ۲ (۱۳۸۹): ۳۲-۵۵.
- انوشيرواني، علي‌رضا. «ادبيات تطبيقي و ترجمه‌پژوهي». *مجله‌ي ادبيات تطبيقي*. شماره ۵ (۱۳۹۱): ۷-۲۵.
- پوپر، کارل ريموند. *منطق اکتشاف علمي*. ترجمه‌ي سيد حسين کمالی. تهران: انتشارات علمي و فرهنگي. ۱۳۷۰.
- جامي، عبدالرحمن بن احمد. *هفت اورنگ*. به تصحيح جابلقا دادعليشاه و همکاران. تهران: دفتر نشر ميراث مکتوب. ۱۳۷۸.
- حافظ، شمس‌الدين محمد. *ديوان حافظ*. به اهتمام محمد قزويني و قاسم غني. تهران: چاپ‌خانه مجلس. ۱۳۲۰.
- حکيم، محمدباقر. *علوم القرآن*. قم: مجمع الفكر الإسلامي. ۱۴۱۹.
- حيرت سجادي، عبدالحميد. *گزيده‌اي از تأثیر قرآن بر نظم فارسي*. تهران: انتشارات امير کبير. ۱۳۷۱.
- خاقاني، بدیل بن علي. *ديوان خاقاني شرواني*. تهران: انتشارات زوار. ۱۳۷۸.
- خرمشاهي، بهاء‌الدين. *حافظنامه*. چاپ اول. تهران: انتشارات علمي و فرهنگي و سروش. ۱۳۶۶.
- خرمشاهي، بهاء‌الدين؛ مختاري، سيامک. *قرآن و مثنوي (فرهنگ‌واره‌ي تأثیر آیات قرآن در ابيات مثنوي)*. چاپ اول. تهران: انتشارات قطره. ۱۳۸۳.
- خزائلي، محمد. *شرح گلستان*. چاپ دهم. تهران: انتشارات فخر رازي. ۱۳۷۹.
- الخطيب، حسام. *آفاق الأدب المقارن عربيًا و عالميًا*. دمشق: دار الفكر. ۱۹۹۹.
- درزي، قاسم. قراملکی، فرامرز. *روش‌شناسی مطالعات ميان‌رشته‌اي قرآني*. تهران: دانشگاه شهيد بهشتی. ۱۳۹۹.
- راستگو، محمد. *تجلي قرآن و حديث در شعر فارسي*. تهران: سمت. ۱۳۸۰.
- راشدمحصل، محمدرضا. *پرتوهایی از قرآن و حديث در ادب فارسي*. مشهد: شرکت به‌نشر. ۱۳۸۰.
- زرين کوب، عبدالحسين. *نقش بر آب*. تهران: انتشارات سخن. ۱۳۸۱.
- زمانی، کریم. *شرح جامع مثنوي معنوي*. ۷جلد، چاپ چهل و سوم. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۹۳.
- ژون، سيمون. *ادبيات عمومي و ادبيات تطبيقي (رساله‌ي راهبردي)*. ترجمه‌ي حسن فروغي. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت. ۱۳۹۰.
- سجادي، طهمورث. *از ادبيات تطبيقي تا نقد ادبي (مجموعه مقالات)*. چاپ اول. تهران: انتشارات اميرکبير. ۱۳۸۶.

- سالمن پراور، زیگبرت. **درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی**. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت. ۱۳۹۳.
- سیوطی، جلال الدین. **الإتقان فی علوم القرآن**. ترجمه سید مهدی حائری قزوینی. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۷۶.
- شورل، ایو. **ادبیات تطبیقی**. ترجمه طهمورث ساجدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۹.
- عبود، عبده. **ادبیات تطبیقی؛ چالش‌ها و افق‌های فرارو**. ترجمه تورج زینی‌وند و همکاران. کرمانشاه: دانشگاه رازی. ۱۴۰۱.
- عربی، فرشاد. «تجلی قرآن و حدیث در گلشن راز شیخ محمود شبستری (بررسی شواهدی از اقتباس، تضمین و تلمیح)». **فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی**. شماره ۵ (۱۳۸۹): ۹۳-۱۰۶.
- عطار، محمد بن ابراهیم. **دیوان عطار**. به تصحیح سعید نفیسی. چاپ سوم. تهران: انتشارات سنایی. ۱۳۳۹.
- غنیمی هلال، محمد. **ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)**. ترجمه‌ی سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۱۳۷۳.
- فرامرزی فراملکی، احد. **روش‌شناسی مطالعات دینی**. چاپ اول. مشهد: دانشگاه علوم رضوی. ۱۳۸۵.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. **شرح مثنوی شریف**. تهران: انتشارات زوار. ۱۳۶۱.
- فرهنگی، علی اکبر؛ صفرزاده، حسین. **روش‌های تحقیق در علوم انسانی**. تهران: انتشارات پویش. ۱۳۸۵.
- قبادیانی، ناصر خسرو. **دیوان اشعار**. تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۸.
- قبول، احسان. «حوزه‌های پژوهش تطبیقی در مثنوی مولانا»، **الدراسات الأدبیه**، الرقم ۶۷، ۶۸، ۶۹ (۲۰۰۹): ۳۱۷-۳۴۲.
- قبول، احسان. «بررسی کارکردهای نمادین رومیان در مثنوی مولوی». **مجله‌ی مولانا پژوهی**. مؤسسه‌ی حکمت و فلسفه‌ی ایران. شماره ۱ (۱۳۸۹): ۹۷-۱۱۰.
- قمی، عباس. **سفینه البحار. طباعة السابعة**. تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر. ۱۳۹۲.
- گویارد، ام. اف. **ادبیات تطبیقی**. ترجمه‌ی علی اکبر خان محمدی. تهران: انتشارات پازنگ. ۱۳۷۴.
- لاهوری، اقبال. **کلیات اقبال**. با مقدمه احمد سروش. تهران: انتشارات سنایی. ۱۳۴۳.
- مجلسی، محمد باقر. **بحارالانوار**. ج ۱۰۲، بیروت: مؤسسه الوفاء. ۱۴۰۴.
- مولوی، جلال‌الدین. **مثنوی معنوی**. ج ۲. تصحیح رینولد الین نیکلسون. چاپ اول. تهران: انتشارات طلایه. ۱۳۷۸.
- میرزاحمد، علی‌رضا. **قرآن در مثنوی**. جلد دوم (دفتر اول). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۶.
- نامورمطلق، بهمن. «درآمدی بر تصویرشناسی (معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی)». **فصل‌نامه مطالعات تطبیقی**. شماره ۱۲ (۱۳۸۸): ۱۱۹-۱۳۸.
- ندا، طه. **ادبیات تطبیقی**. مترجم هادی نظری‌منظم. چاپ اول. تهران: انتشارات نی. ۱۳۸۳.
- ولک، رنه؛ وارن، اوستن. **نظریه‌ی ادبیات**. ترجمه‌ی ضیا موحد و پرویز مهاجر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۲.
- ولک، رنه. «بحران ادبیات تطبیقی». ترجمه‌ی سعید ارباب شیرانی. **مجله‌ی ادبیات تطبیقی**. شماره ۲ (۱۳۸۶): ۸۵-۹۸.
- ولک، رنه. «روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی». ترجمه‌ی سعید رفیعی خضری. تهران: نشر چشمه. ۱۳۹۸.

Gray, David E. **Doing Research in the Real World**. London: SAGE publication. 2004.

Remak, Henry H.H. "Comparative Literature: Its Definition and Function", in: *Comparative literature: Method and Perspective*. Edited by Newton B. Stalknecht and Horst Fernz, U.S.A: Arcturus Books.(1973)pp: 3-37.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: رادمرد عبدالله، قبول احسان، نسبت‌سنجی پژوهش‌های قرآن و حدیث با ادبیات فارسی از منظر ادبیات تطبیقی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۱۶۵-۱۴۷.